

چکیده

گرایش‌های روزافزون به مطالعه فرهنگی شیوه‌های طراحی محیط و معماری در بین نظریه‌پردازان عرصه هنر و معماری را می‌توان حاصل تغییر فرایند ساخت و ساز و حرکت از معماری بومی به سمت معماری آکادمیک و تبعات حاصل از آن دانست. در یکی - دو دهه اخیر معمولاً طراحان و نظریه‌پردازان همواره بر اهمیت فرهنگ در محیط‌های مصنوع تأکید بسیار داشته‌اند، اما کمتر در مورد چیستی آن یا چگونگی تأثیر فرهنگ و اجزاء و متغیرهای آن بر محیط‌های انسان ساخت از جمله خانه و تحلیل و ارزیابی این تأثیر به طور واضح سخن گفته‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد خوانش سازمان فضایی خانه از منظرگاه مطالعات رفتاری و شیوه زندگی بومی در قالب یک چارچوب نظری مشخص در ایران کمتر مورد توجه بوده و این حوزه از مطالعات معماری در حال رشد و در شرف توسعه است که هنوز ابعاد بررسی نشده بسیار دارد.

مردم و رفتار آنان بخشی از سیستم محیط‌های مسکونی می‌باشند، به طوری که رفتار و محیط را نمی‌توان از یکدیگر جدا فرض نمود و نمی‌توان بدون در نظر داشتن تأثیر شیوه زندگی و رفتار، خانه را مورد تجزیه، تحلیل و ارزیابی قرار داد.

لذا پژوهش حاضر همزمان با شناخت شیوه زندگی، ساختار خانواده و شرایط فرهنگی - اجتماعی زندگی ساکنان بومی دوره‌های (صفویه، قاجاریه و پهلوی اول) در نمونه مورد مطالعه و شناخت و خوانش خانه‌های بومی به دنبال دستیابی به پاسخ‌هایی درباره نقش و چگونگی تأثیرگذاری عوامل متأثر از فرهنگ سکونت بومی (شیوه زندگی و سیستم فعالیتها) بر شکل و سازمان فضایی خانه‌ها است.

برای انجام پژوهش کیفی حاضر از راهبردی ترکیبی برای گردآوری و تبیین داده‌ها بهره گرفته شده است. داده‌های مربوط به فرهنگ سکونت و شیوه زندگی با استفاده از تکنیک‌های مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی، مصاحبه نیمه ساخت یافته و پرسشنامه از ساکنان بومی و تحلیل اسناد مربوط به دوره‌های مورد مطالعه گردآوری شده و داده‌های مربوط به خوانش کالبد و سازمان فضایی خانه‌های بومی نیز با استفاده از مشاهده و برداشت میدانی، گونه‌شناسی فضایی براساس اصالت‌های معمارانه و رویکرد محدب در نگرش نحو فضا جمع‌آوری شده است.

نتایج و یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد شیوه زندگی و نظام رفتاری (سیستم‌های فعالیت) به عنوان عینی‌ترین و ملموس‌ترین بیان‌های فرهنگ بومی منجر به بروز ساماندهی عملکردی و سلسله مراتب فضایی خاصی در خانه‌های بومی - سنتی شده و همچنین تصورات ذهنی، باورها و ارزشهای بومی - مذهبی در قالب کالبدی کهن الگوها، سمبل‌ها و استعاره‌ها بروز یافته و سبب ساز خلق معنا در فضاها خانه بومی شده‌اند. در این خانه‌ها رفتارهای گوناگون اعم از رفتارهای خوراکی، پوشاکی، گفتاری، حرکتی، دیداری، انعکاس ملموس و غیرملموس در شکل‌دهی به فضای پیرامون داشته و هر فضا درخانه با عناصر ثابت و نیمه ثابت خود، محصول نظام رفتاری فرد و خانواده می‌باشد.

اما این پیکره بندی و سازمان فضایی خانه که تا اوایل پهلوی دارای تداوم بوده از این دوره به بعد دچار تغییرات شگرفی شده که این تغییرات با شیوه زندگی بومی و نظام رفتاری ناشی از آن همخوانی ندارد.

در نهایت این پژوهش بر آن است تا با ارائه پروفیل (مدل ارزشهای طراحی) سازمان فضایی خانه بر اساس شیوه زندگی بومی و نظام رفتاری مطلوب ساکنان و منطبق بر روابط خانوادگی، اجتماعی و همسایگی در فرهنگ سکونت بومی، مبنایی برای طراحی روابط میان فضاها درون خانه به دست دهد.

واژه‌های کلیدی: معماری بومی - فرهنگ سکونت - شیوه زندگی - نظام فعالیتها (رفتارها) - شکل و سازمان فضایی خانه.